نکاتی درباره ممنوعیت حضور کادر درمانی آقا در بخش‌های زنان

به سود سلامت جامعه است؟

محمد میرخانی. پزشک

به‌تازگی معاون دادستان کل در نامه‌ای خطاب به وزیر بهداشت تأکید کرده است که حضور کادر درمانی مرد برای زنان در بیمارستان‌ها باید ممنوع شود. بار اولی نیست که بحث حضورنداشتن اجباری مردان در بخش‌های زنان به‌ویژه جراحی زنان و زایمان مطرح می‌شود. شورای عالی انقلاب فرهنگی که اوایل ستاد انقلاب فرهنگی بود، طرحی را تصویب کرد که ادامه تحصیل تخصصی در رشته زنان و زایمان برای پزشکان مرد را ممنوع کرد. البته طرحی مشابه نیز قبل‌تر در کشور همسایه (پاکستان) نیز اجرا شده بود و ایران اولین کشوری نبود که آغازکننده این طرح باشد و با اجراشدن این طرح نزدیک به چهار دهه گذشته تحصیل تخصصی رشته زنان تنها برای پزشکان زن امکان‌پذیر بوده است. همچنین در نیمه دوم دهه ۷۰ و در مجلس پنجم طرحی از طرف خانم دکتر مرضیه وحید دستجردی که آن زمان نماینده تهران بودند، به مجلس ارائه شد تا تفکیک بین بیمارستان‌های مردان و زنان صورت بگیرد که با استقبال کافی مواجه نشد؛ اما در سال ۱۳۸۵ و در دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد این طرح اجرا شد و بیمارستان مهدیه در جنوب تهران با سیاست‌گذاری مجدد به‌عنوان اولین بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی زنان به خدمت‌رسانی به بیماران زن فقط پرداخت.

تفکیک جنسیتی بیماران زن و مرد همیشه موافقان و مخالفان جدی خودش را داشته است. در سال ۱۳۹۶ نصرالله پژمانفر، نماینده مشهد در مجلس، با اعتراض به اینکه چرا هنوز در بیمارستان‌ها تطبیق جنسیتی وجود ندارد و با عنوان‌کردن «امروز در بیمارستان‌ها خدمات‌دهنده و خدمات‌گیرنده در مسیر عادی‌سازی گناه قرار گرفته‌اند» و «پزشک محرم است یعنی چه؟» خواستار استیضاح وزیر بهداشت وقت شد. البته باید مدنظر داشت که رعایت حقوق بیمار و اخلاق پزشکی و همچنین شرع اسلام ایجاب می‌کنند که به منظور راحتی و معذب‌نشدن بانوان در مواردی مثل زایمان و شیردهی تا جای ممکن از حضور مردان بر بالین بیمار زن خودداری شود؛ اما رعایت نکات فوق در مواردی ممکن نیست. با توجه به کمبود نیروی انسانی منطبق بر جنسیت بیمار و کمبود فضای درمانی در کشور و همچنین وقوع اورژانس‌های طبی که حفظ حیات فرد بیمار در آن اولویت اصلی است، تطبیق جنسیتی عملا به محاق می‌رود و قانون در شرایطی این‌چنین عملا کم‌اثر می‌شود.

اما آیا تطبیق جنسیتی در سال‌های گذشته تماما مفید بوده و باعث افزایش رضایت بیماران از مسیر درمانی آنها شده است؟

با اجراشدن ممنوعیت ورود آقایان پزشک به دوره تخصصی بیماری‌های زنان، اکثر بخش‌های زنان بیمارستان از حضور پزشکان مرد خالی شد. البته پزشکان مردی هستند که در قبل از ممنوعیت متخصص زنان شده‌اند؛ اما با توجه به گذشت سال‌های زیاد از این قانون عموما این پزشکان در دهه ششم و هفتم زندگی هستند و بازنشسته شده‌اند و تنها چند پزشک مرد هستند که در خارج از کشور تخصص زنان خوانده‌اند و بازگشته‌اند و کار می‌کنند.

فقدان حضور مردان پزشک در بخش‌های زنان خیلی سریع به کم‌شدن محتوای آموزشی بیماری‌های مربوط به زنان در دانشجویان پسر نیز تسری پیدا کرد و عملا دانشجویان پزشکی آقا از آموزش‌های عملی و معاینه‌های زنان منع شدند. شاید این سؤال مطرح شود که دانشجوی پسری که بعدها قرار نیست به درمان بیماری‌های زنانه بپردازد، چه لزومی دارد در دوران دانشجویی‌اش بیمار زن ببیند؟ این سؤال را خیلی از قانون‌گذاران از خودشان پرسیده‌اند و پاسخی که داده‌اند نیز همین بوده است؛ اما مشکل از آنجایی شروع شد که همین دانشجویان پسر بعد از فارغ‌التحصیلی و شروع دوران طرح یا خدمت در شهرهای دور و روستاهای محروم که از امکانات تخصصی برخوردار نبودند و تنها پزشک منطقه خدمت بودند، با شرایطی مثل زایمان اورژانسی مواجه شدند و به علت کم‌بودن تجربه در مدیریت زایمان دچار مشکلات و بحران شدند. البته استادان رشته زنان از سال‌ها پیش این نگرانی‌ها را مطرح می‌کردند؛ اما هیچ‌گاه این نگرانی‌ها توانایی تغییر این مسیر را نداشت و متأسفانه قانونی نانوشته وجود دارد که بسیار قوی از آموزش کافی دانشجویان پسر در حیطه زنان ممانعت به عمل می‌آورد. به یاد می‌آورم در دوران کارآموزی در یکی از بیمارستان‌های جنوب شهر که در منطقه‌ای اصیل و سنتی واقع شده بود، کارآموز بخش زنان بودم. به دستور استادم و با رعایت نکات اخلاقی و اجازه از بیمار در معاینه یک بانوی سالخورده حاضر شدم؛ اما چند روز بعد و در نوبت بعدی ویزیت بیمار، استادم گفت شرایط به نحوی شده است که حساسیت روی موضوع معاینه زنان زیاد شده و حتی توصیه‌های غیررسمی هم بر ممانعت از تکرار مجدد این مقوله شده است. چند روز بعد در همان درمانگاه زنان، یک خانم باردار نزدیک به زایمان حضور داشت که قرار شد به اتاق زایمان برود. بخشی از کارها هم بر عهده من بود؛ اما حضور من که الزامی و قانونی بود، باز با همان قانون نانوشته محدود شد. همسر بیمار که اتفاقا مردی محترم و بسیار باغیرت به نظر می‌رسید که فهمیده بود ما دانشجو هستیم، ما را با اصرار راهی اتاق زایمان کرد و گفت من هیچ مشکلی با یادگرفتن شما ندارم و شما باید اینها را ببینید تا بعدا بتوانید زایمان بگیرید!

در آموزه‌های اسلامی ما گفته شده است که هرچه را شرع بگوید، عقل تأیید می‌کند و هرچه عقل بگوید شرع می‌پذیرد و این دو، دو حجت توأمان با هم هستند. تطبیق جنسیتی پزشک و بیمار به منظور رعایت اخلاق و احترام به بیمار بسیار نیکو است و راحتی بیمار در روند بهبودی او نیز مؤثر است؛ اما اگر بیماری که امروز فرزندی را به کمک پزشک زن به دنیا می‌آورد، ۱۰ سال دیگر در نقطه‌ای دورافتاده که پزشک زنی وجود ندارد و در حالت وضع حمل و زایمان قرار بگیرد و تنها پزشک حاضر مردی باشد که آموزش عملی کافی در این مورد خاص ندیده باشد و در این شرایط جان مادر و نوزادش به خطر بیفتد یا خدای ناکرده جانشان را از دست بدهند، آیا می‌توان آن را با اخلاقی‌بودن تطبیق جنسیتی توجیه کرد؟

بنیاد خانواده و بنای سست قانون

ایمان دمیری
قاضی دادگاه خانواده

فرض کنید مردی هنگام مسافرت در رستوران به‌تنهایی مشغول صرف ناهار است. بی‌هیچ دلیلی، در لحظه تصمیم به پایان‌دادن زندگی مشترک ۲۰ساله و طلاق‌دادن زن خود می‌گیرد. دو نفر کارگر مرد رستوران را صدا می‌زند. قصد خود را بیان کرده و در غیاب همسر خود، صیغه عربی طلاق را جاری می‌کند. آیا این طلاق معتبر است؟ آیا زندگی مشترک ۲۰ساله زوجین با همین تصمیم لحظه‌ای پایان یافته است؟

قرن‌ها قبل از پیدایش قانون و مراجع قانونی به سبک امروزی، ازدواج و طلاق به‌عنوان نهادهای فرهنگی شرعی و مذهبی، میان مردم- و عمدتا از طریق مراجع مذهبی- وجود و اعتبار داشته‌اند؛ بدون آنکه مرجعی برای ثبت جامع آنها وجود داشته باشد. تا قبل از پیدایش نهادهای جدید دولتی و حاکمیتی در همین یکی، دو قرن گذشته، مرجع خاصی برای ثبت تولد، ازدواج، طلاق و فوت اشخاص وجود نداشت؛ بلکه ثبت و ضبط این وقایع در حافظه اشخاص، دست‌نوشته‌های افراد و نهایتا مکتوبات صادرشده از مراجع مذهبی انجام می‌شد.

از زمان پیدایش مفهوم دولت، کشور و قانون به معنای مدرن و جدید آن و از زمان پیدایش نهادهای رسمی برای ثبت و ضبط وقایع چهارگانه (تولد، ازدواج، طلاق و فوت) قانون‌گذار تلاش کرد تا حد امکان از اعتباربخشی به وقایع ثبت‌نشده خودداری کرده و در مقابل صرفا وقایعی را که طبق قانون و تشریفات به ثبت رسمی رسیده‌اند، معتبر بداند.

بیش از صد سال است که قانون‌گذار تلاش می‌کند اختیار مطلق مرد برای پایان‌دادن به زندگی مشترک از طریق طلاق را تحت انقیاد خود درآورده و مانع طلاق‌های لحظه‌ای و بی‌دلیل شود.

از زمان تصویب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در سال ۱۳۱۳ که مقرر می‌کرد «مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق بدهد» تا زمان تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و الزامی‌شدن ثبت رسمی طلاق، راه نسبتا درازی طی شده است.

مطابق قوانین فعلی، اگر مردی قصد «ثبت رسمی طلاق» همسر خود را داشته باشد، مکلف است «حداقل» مراحل زیر را طی کند: ثبت‌نام و اخذ نوبت در سامانه مشاوره، چند جلسه مراجعه به مرکز مشاوره و اخذ گواهی، مراجعه به دفتر خدمات قضائی و ثبت دادخواست، مراجعه به دادگاه خانواده و طی مراحل بدوی (و احتمالا) تجدید نظر و دیوان عالی کشور، اخذ گواهی عدم امکان سازش، پرداخت حقوق مالی همسر (یا اثبات اعسار از پرداخت این حقوق) شامل مهریه، نفقه، اجرت‌المثل/ نحله. استرداد جهیزیه. تعیین تکلیف فرزندان. و واگذارکردن تا نصف دارایی خود به همسر. سپس مراجعه به دفتر رسمی طلاق و ثبت رسمی طلاق. طی‌کردن مجموع این فرایند معمولا بین ۱۸ ماه تا دو سال زمان می‌برد. واضح است که قصد قانون‌گذار، برخورد هرچه محتاطانه‌تر با مسئله طلاق، جلوگیری از وقوع طلاق تا حد امکان و حفظ نهاد خانواده است. با این حال جای تعجب دارد که قانون‌گذار هنوز طلاق لحظه‌ای (به سبک قرون گذشته) از جانب مرد را معتبر و سبب انحلال نهاد خانواده می‌شناسد.

اکنون، حدود یک قرن پس از شروع تلاش‌های قانون‌گذار برای محدودکردن اختیار مطلق مرد برای انحلال لحظه‌ای و بی‌دلیل نهاد خانواده، می‌توان گفت حاصل یک قرن تلاش قانون‌گذار، در برابر ۱۴ قرن سابقه فقهی «تقریبا هیچ» بوده است.

با وجود قوانین متعدد و با وجود پیش‌بینی ضمانت‌های اجرای رنگارنگ برای اعتباربخشی به طلاق ثبت‌شده، هنوز هم مرد می‌تواند در هر زمانی، با مقدمه یا بی‌مقدمه، در منزل یا در رستوران! در حضور زن یا در غیاب او، با پرداخت حقوق مالی زن یا بدون پرداخت آن، صرفا در حضور دو نفر مرد (و با اطلاع از شرایط شرعی)، صیغه طلاق را به زبان آورده و زن را طلاق دهد. چنین طلاقی معتبر است و نهاد خانواده را منحل می‌کند و دعوای اثبات و ثبت آن نیز استماع می‌شود.

وجود و زیست هم‌زمان دو نهاد قانونی ناسازگار (یکی طلاق لحظه‌ای به سبک قرون گذشته، یکی طلاق رسمی با طی فرایند حدودا دوساله) و حمایت قانون از اعتبار این هر دو، از رویکردهای عجیب قوانین خانواده است. اگر قصد قانون‌گذار حفظ و حمایت از چارچوب خانواده و جلوگیری از انحلال آن است و اگر سیاست کلی، تشویق به ازدواج و حفظ رابطه زوجیت است و اگر «ثبت طلاق» از جانب مرد- به‌درستی- نیازمند طی‌کردن یک فرایند طولانی و دقیق قضائی و اداری (به‌ویژه برای اطمینان از پایمال‌نشدن حقوق زوجه) است، شاید اولین قدم برای تحقق این اهداف، بستن در «طلاق لحظه‌ای شفاهی» به روی مرد و اعتبارزدایی از آن باشد. مجازات کیفری تعیین‌شده در ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده به‌لحاظ میزان مجازات و نحوه تعیین و اجرای آن، به‌هیچ‌وجه مانع وقوع طلاق‌های لحظه‌ای نبوده است. تا زمانی که «طلاق لحظه‌ای» به سبک قرون گذشته معتبر و قابل اثبات و ثبت باشد، بسیاری از مردان ترجیح خواهند داد به جای طی فرایند طلاق رسمی، از امکان «طلاق عادی» سوءاستفاده کنند.

خبر

هاشم جان به لب رسیده درخواست کمک دارد

هاشم خیلی پیر نیست. اما نگاهش که می‌کنی می‌گویی ۶۰ سال بیشتر دارد. وقتی می‌خندد دندان‌های شکسته‌اش صورتش را غمگین‌تر می‌کند. هنوز ۵۰ سالش نشده و به‌تازگی از خانه بیرونش کرده‌اند و او در بازار کفاش‌ها در مغازه یکی از کاسبان می‌خوابد تا بتواند راهی برای حل بحران امروزش پیدا کند.

هاشم تنهاست. در تمام دنیا یک ستاره ندارد. زنش وقتی دید هاشم بی‌کس است و در شناسنامه‌اش حتی اسم پدر نیست، نتوانست متلک‌های فامیل را تحمل کند و یک روز طلاق خواست و رفت. هاشم هرچه سعی کرد خودش را به خانواده باقی‌مانده از سمت پدرش نزدیک کند نتوانست. آدم‌ها حوصله دردسر نداشتند. هاشم دردسری نداشت اما می‌گفتند سر سفره پدر بزرگ نشده و ما دقیقا نمی‌دانیم ذاتش چگونه است. اما هاشم همیشه وقتی در برابر حرف آدم‌ها که به او می‌گفتند بی‌کس و کار قرار می‌گرفت، مشت‌هایش را گره می‌کرد و می‌گفت: من خواهر دارم و خواهرزاده و برادرزاده... تنی نیستند اما باکلاس‌اند... پولدارند... آدرس خانه‌هایشان را در شمال شهر می‌داد... هرچند کسی باورش نمی‌شد نشانی‌ها واقعی باشد... کاسبان بازار زیرچشمی همدیگر را نگاه می‌کردند و دستش می‌انداختند. برای همین حرف‌هایش به او هاشم‌خله می‌گفتند... اما هاشم خل نبود... راست می‌گفت و خانواده‌اش اصیل بودند اما هاشم را نمی‌خواستند... چون هاشم حاصل ازدواج موقت مردی خوش‌نام و ثروتمند با کارگر خانه بود... پدر هاشم هیچ‌وقت او را قبول نکرد و مادرش هم زود از دست رفت و هاشم هرگز طعم خانواده را نچشید... گاهی بزرگ‌ترهای فامیل که می‌خواستند صدقه بدهند هاشم را صدا می‌کردند... هاشم لباس تر و تمیز تنش می‌کرد و در بازار به بقیه باربرها می‌گفت راهی خانه اقوام است... هاشم گوشه‌ای از راه‌پله خانه عمه و خاله و خواهر می‌ایستاد و یک بقچه لباس و چند تراول در دستش می‌گذاشتند و راهی‌اش می‌کردند که مبادا کسی او را ببیند که چقدر شبیه حاجی پدر خانواده است و انگار چشم‌های سبزش را توی صورت هاشم کار گذاشته‌اند تا بشود آینه دق خاندان...

هاشم حالا اما دیگر تن به خفت فامیل نمی‌دهد... وقتی برای بردن بار به مغازه‌ها سر می‌زند و متلک‌ها را می‌شنود که به او می‌گویند: هاشم از فامیل اعیونت چه خبر؟ سکوت می‌کند و بار را روی دوش می‌گذارد و می‌رود تا مبادا کسی چشم‌های درشت پر از اشکش را ببیند...

هاشم ۴۰ میلیون تومان پول می‌خواهد تا بتواند یک خانه در سمت خیابان مولوی برای خودش اجاره کند و بدهی‌هایش را بدهد. ناراحتی قلبی شدید دارد که میراثش از بزرگ خاندان و پدرش است... پدر هاشم هم مثل او مشکل جدی دریچه قلب داشت و آخر سر همان او را کشت... هاشم تپش‌های قلب شدید دارد و با وجود آن بارهای سنگین را جابه‌جا می‌کند تا بتواند کمی از رنج این روزها را فراموش کند.

مددکاری که هاشم را به ما معرفی کرده می‌گوید او قرص‌هایش را نمی‌خورد تا آرام آرام بمیرد... او دست به خودکشی تدریجی زده و برای همین در برابر شکستن اسباب خانه به وسیله صاحبخانه هم مقاومت نکرد. هاشم تنهاست و همسر سابقش هم می‌خواهد به زندگی او برگردد اگر او بتواند خانه‌ای کوچک اجاره کند. ما در حال تأمین هزینه‌های هاشم هستیم تا بتوانیم سقفی برایش مهیا کنیم و بدهی‌هایش را بدهیم تا همسرش هم با خیال راحت به خانه برگردد تا هاشم حداقل بتواند تا زمانی که زنده است طعم داشتن خانواده را بچشد. ما برای هاشم وقت پزشک هم گرفته‌ایم و او به زودی درمانش را آغاز می‌کند به شرطی که همسرش فرشته برگردد... در صورت تمایل می‌توانید مبالغ اهدایی خود را به شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۴۲۳۷۵۶۳۰ بانک ملی به نام شهرزاد همتی‌پل‌سنگی دبیر اجتماعی روزنامه «شرق» واریز کنید.

◆ جدول ۴۵۹۱ ◆ طراح: بیژن گورانی

افقی: ۱- خسیس پس نمی‌دهد- فرکانس- شهر زیتون ۲- پرنده ملی هندوستان- مهربان- علامت زیر حرف ۳- فهمیده- محکم و استوار- از ماشین‌آلات راه‌سازی ۴- ترکیب شیمیایی آبدار- حرکات ورزشی رزمی نمایشی- قصد و آهنگ ۵- نام علمی زردپی- مبادا- محل ورود ۶- دومین دورقمی- فلزی که روی آن تصویری برای چاپ حک می‌شود- بیعانه ۷- ترکیب آبی و زرد- لبریز- آسمان کشتی ارباب ... می‌شکند ۸- پسر گودرز که در جنگ یازده‌رخ کشته شد- بی‌همتا- نوعی بیماری ویروسی که سیستم دفاعی بدن را مختل می‌کند۹- کاستی- گریز از دشمن به سبب شکست- گویشی در غرب ایران۱۰- عنصری از گروه هالوژن‌ها- دارای خلاقیت‌های استثنایی- پوستین ۱۱- ضمیری انگلیسی- پرچم- چیزی را به کسی دادن۱۲- لیز و چسبناک- دست‌درازی‌کردن- گناهکار۱۳- جدید- شاخه باریک درخت- در بیان علت به کار می‌رود۱۴- چنگ‌نواز- مادربزرگ- خوش‌خلق ۱۵- جنگجوی شجاع- ایجاد- تکرار حرفی

عمودی: ۱- اسپرم- از فرشتگان مقرب الهی- سمت یسار۲- از ظروف آشپزخانه- باقلوا ۳- نامی دخترانه- مفصل لولایی پا- نهضت میرزا کوچک‌خان ۴- سلاح بومیان استرالیا- پایبند- پدر بیژن در شاهنامه ۵- چاشنی غذایی- نشانی- رنگ نشانگر عشق۶- پنهان‌شده- برطرف‌کردن- کاربن بی‌کارشده ۷- زمان معین- مکتوب- سرسری ۸- کمدین سیرک- مشاور- برخورد ناگهانی ۹- گروه سیاسی- چوپان- حالتی در شطرنج ۱۰- امر به رفتن دارد- بلوز زنانه بی‌آستین- آلیاژ ۱۱- سوره هشتادوهشتم قرآن- ظرف سفالی دهان‌گشاد- نت آخ ر۱۲- تیر عمود بر عرشه کشتی- غریبه نیست- ورزشی هفت‌نفره ۱۳- مقابل بازکردن- خط نابینایان- طبق دستور پزشک مصرف کنید۱۴- گلی زینتی- فکر و مضمون اصلی یک اثر هنری ۱۵- راه شاعرانه- عبور کالا از مرز بدون پرداخت حق گمرکی- سلاح جنگجوی قدیم

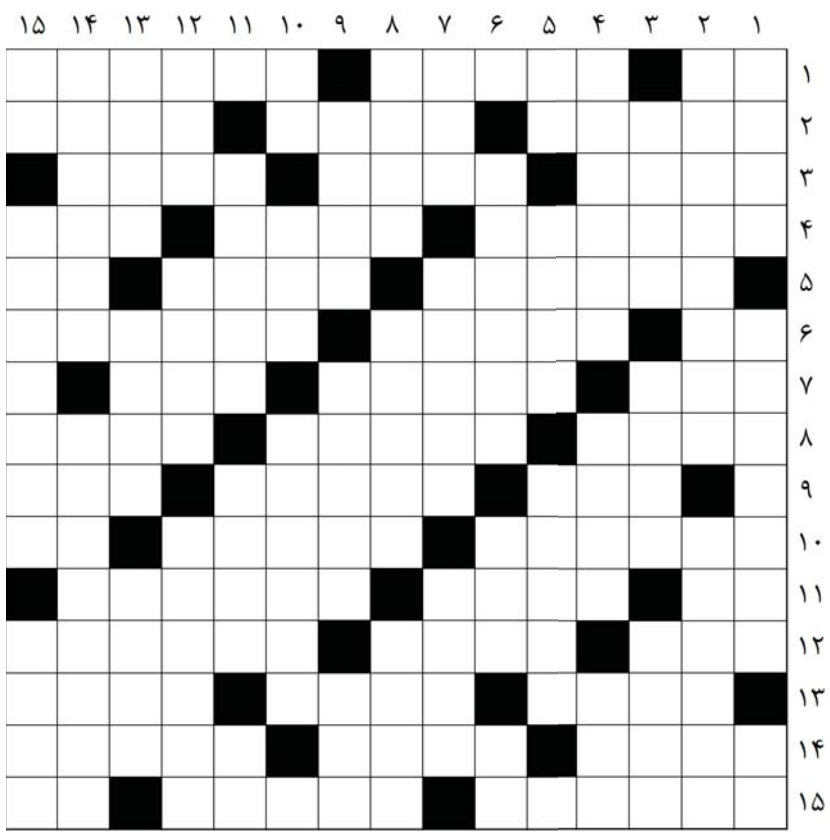

◆ سودوکو سخت ۳۵۸۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۱				۵	۳	۹	
		۷						
۳				۲		۸		۱
	۴		۹	۶		۵		
۶			۷		۸			۴
		۹		۴	۱		۸	
۵		۶		۹				۸
						۴		
	۷	۲	۸				۵	

◆ حل سودوکو سخت ۳۵۸۶

۵	۴	۶	۱	۹	۸	۳	۷	۲
۸	۷	۲	۶	۵	۳	۴	۱	۹
۱	۹	۳	۴	۲	۷	۸	۶	۵
۷	۵	۸	۲	۶	۱	۹	۴	۳
۲	۶	۹	۷	۳	۴	۱	۵	۸
۴	۳	۱	۵	۸	۹	۷	۲	۶
۶	۸	۷	۳	۱	۲	۵	۹	۴
۹	۲	۴	۸	۷	۵	۶	۳	۱
۳	۱	۵	۹	۴	۶	۲	۸	۷

◆ حل سودوکو ۳۵۸۶

۷	۹	۱	۳	۶	۸	۴	۲	۵
۳	۵	۸	۱	۲	۴	۶	۷	۹
۲	۶	۴	۹	۵	۷	۸	۳	۱
۱	۳	۶	۴	۸	۵	۷	۹	۲
۵	۷	۲	۶	۹	۱	۳	۸	۴
۸	۴	۹	۲	۷	۳	۵	۱	۶
۶	۱	۷	۸	۴	۹	۲	۵	۳
۹	۲	۵	۷	۳	۶	۱	۴	۸
۴	۸	۳	۵	۱	۲	۹	۶	۷

◆ سودوکو ساده ۳۵۸۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۸	۴	۱	۶		۹		۳
۳				۸	۹	۱		
				۵		۸		۷
۶		۳						
	۵						۹	
						۳		۵
۹		۸		۲				
		۱	۹	۴				۸
۲		۵		۱	۳	۴	۷	

◆ حل جدول ۴۵۹۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ی	■	ا	ز	د	ی	■	س	پ	ا	ه	ا	ا	ن
۲	و	خ	ی	م	■	ک	ر	ا	م	ی	■	ف	و	ت	ی
۳	ی	ی	ل	ا	ق	■	ا	د	ع	ا	■	س	ا	ر	ا
۴	ا	■	م	ر	ا	س	م	■	ن	ه	ف	ت	■	ا	ب
۵	ن	م	ا	ه	ن	ک	■	ک	ی	ر	ا	■	ر	ق	ت
۶	م	ی	ن	■	و	ک	ی	ل	■	ک	ر	ک	ی	■	■
۷	ا	ک	■	ا	ن	ش	ع	ا	ب	■	س	و	ر	ا	خ
۸	ی	د	ک	ی	■	ی	ن	ب	و	غ	■	ن	ا	ر	و
۹	ی	ه	و	د	ا	■	ی	ت	ی	م	چ	ه	■	و	ر
۱۰	■	■	چ	ا	ل	ش	■	و	ا	ر	و	■	ش	پ	ش
۱۱	ت	ش	ک	■	ا	ی	م	ن	■	ا	پ	ر	ک	ا	ت
۱۲	ن	ر	■	ق	و	ر	ی	■	ت	ن	ا	و	ر	■	خ
۱۳	پ	ا	ک	ی	■	م	ن	ف	ذ	■	ن	ا	ا	ه	ل
۱۴	و	ک	ل	ا	■	ر	و	د	ک	ی	■	ر	پ	ن	ا
۱۵	ش	ت	ر	م	ر	■	غ	ا	ر	س	ط	و	■	ی	ل